

« زن و مطالعات خانواده »  
سال دهم - شماره چهارم - تابستان ۱۳۹۷  
ص ص: ۷۵-۵۱  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۴

## نمودشناسی تجربه عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی و جایگاه آن بر زندگی خانوادگی و روابط زناشویی آنها

امیر مرادی<sup>۱</sup>  
رمضان برخوردار<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تجربه عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی و جایگاه آن بر زندگی خانوادگی و روابط زناشویی آنان است. برای درک تجربه دبیران از روش نمودشناسی تفسیری که از رویکردهای پژوهش کیفی بهره گرفته شده است. نمونه‌ها از میان دبیران آموزش و پرورش شهرستان روانسر به گونه‌ای انتخاب شد که متأهل و دارای حداقل یک فرزند بوده، دست کم یک سال از عضویت و فعالیت آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی سپری شده بود. داده‌ها از راه مصاحبه ژرف ساختار یافته و مشاهده هدف‌مند جمع‌آوری و سپس نگاشته و به روش ون منون تحلیل شدند. بر بنیاد یافته‌های پژوهش می‌توان تجربه دبیران را در سه موضوع اصلی تجربه درباره علل عضویت، چالش‌های عضویت و راه‌کارهای کاهش چالش‌ها دسته‌بندی و توصیف کرد. تجربه علل عضویت دربردارنده تسهیل برقراری ارتباط، پرکردن اوقات فراغت، تسهیل آزادی بیان، دستیابی به آخرین اخبار و اطلاعات، افزایش غم‌خواری و یادگیری و آموزش شد. چالش‌های عضویت شامل هنجارشکنی، کاهش مناسبات خانوادگی، نقض حریم خصوصی، ترویج روابط غیرمتعارف، رواج فرهنگ بی‌بندوباری و سبک زندگی غربی شد. راه‌کارهای پیشنهادی دبیران نیز شامل فرهنگ‌سازی، تنوع‌بخشی به برنامه‌های رسانه ملی، آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها، پر کردن واقعی اوقات فراغت و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی شد. در پایان باید گفت فناوری شبکه‌های اجتماعی ابزاری خنثی محسوب نشده و به بهای ارائه امکانات و خدمات منحصری‌فرد می‌تواند زندگی زناشویی و خانوادگی دبیران را با تهدید روبرو کند.

**واژه‌های کلیدی:** نمودشناسی، شبکه‌های اجتماعی، زندگی خانوادگی، روابط زناشویی

۱. دانشجوی دوره دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران،  
(نویسنده‌ی مسئول) [amirmoradi8@yahoo.com](mailto:amirmoradi8@yahoo.com)

۲. استادیار فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه خوارزمی تهران،  
[ramazanbarkhordari@gmail.com](mailto:ramazanbarkhordari@gmail.com)

## مقدمه

امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی با رشد گسترده خود، تغییرات بسیاری را در ساختار جوامع فراهم آورده‌اند. در واقع به تناسب بهره‌مندی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و تعامل بین مردم و تبادل اطلاعات و دسترسی جامعه به این فرایند، تغییرات اجتماعی شتاب و شدت بیشتری گرفته است. لذا بیان اینکه بین فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و شکل‌گیری زندگی اجتماعی جدید پیوندی استوار برقرار شده است مفهومی اغراق‌آمیز نیست (گریپن‌برگ، ۲۰۰۵: ۲).

شبکه‌های اجتماعی<sup>۱</sup> نسل جدیدی از وب سایت‌ها هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه جهانی فضای مجازی قرار گرفته‌اند. این‌گونه سایت‌ها بر مبنای تشکیل اجتماعات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دسته‌ای از کاربران اینترنتی با ویژگی خاصی را گرد هم می‌آورند. صدها میلیون نفر از کاربران فضای مجازی عضو صدها شبکه اجتماعی مختلف هستند و بخشی از فعالیت آنلاین روزانه‌شان در این سایت‌ها می‌گذرد. این شبکه‌های اجتماعی در عین حال که فضاهایی هستند که در آن‌ها افراد دوستان جدیدی پیدا می‌کنند یا دوستان قدیمی خود را در جریان تغییرات زندگی‌شان قرار می‌دهند، مکان‌هایی برای تبادل نظر هستند که در آن‌ها جوانان عقاید و نظرات خود را با هم به اشتراک می‌گذارند. این قابلیت که یک جوان بتواند با امثال خود در کشورهای دیگر جهان ارتباط برقرار کند باعث می‌شود تا این شبکه‌ها به مکانی تبدیل شوند که در آن‌ها ایده‌های جدید معرفی می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند (بارتولوم و دیگران، ۲۰۱۲: ۴۵۵ - ۴۶۱). در حال حاضر شش نوع شبکه‌های اجتماعی وجود دارد: شبکه‌های اجتماعی متن‌محور (مانند فیس‌بوک<sup>۲</sup> و گوگل پلاس<sup>۳</sup>، فیلم‌محور (مانند یوتیوب<sup>۴</sup> و آپارات)، تصویر محور (مانند اینستاگرام<sup>۵</sup> و فلیکر<sup>۶</sup>)، موضوع‌محور (مانند شبکه‌های کاریابی، تجارت، حمایت از حیوانات یا محیط زیست و ...)، مخاطب‌محور (مانند نی نی فیس با محوریت کودک و امپرس با محوریت زنان) و خدمات‌محور (مانند تعیین وقت دکتر، پرداخت قبوض، خریدهای آنلاین و ..) (بوید و الیسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷).

- 
- ۱ . Social networks
  - ۲ . Facebook
  - ۳ . Google Plus
  - ۴ . Youtube
  - ۵ . Instagram
  - ۶ . Flickr
  - ۷ . Boyd & Elison

رشد و گسترش شبکه‌های اجتماعی مرهون فلسفه پسااخترگرایی است. این فلسفه با تأکید بر مفاهیمی همچون ارتباط ریزوماتیک و تکیه بر اصولی همچون پیوند و ناهمگونی و تأکید بر فرامتن به جای متن، زمینه‌های فکری رشد شبکه‌های اجتماعی را فراهم کرد (ایمان‌زاده و سجادی، ۱۳۸۶).

امروزه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی عامل تحولات و تغییرات محسوب می‌شوند، زیرا مخاطبان این فناوری منفعل نبوده و خود تولید کننده‌ی محتوا هستند و آن‌ها را برای ایجاد، انتشار و اشتراک‌گذاری کارهایشان قادر می‌سازند (سلوین، ۲۰۰۸). باراباسی و فرانگوس (۲۰۱۴) بر این باورند که در شبکه‌های اجتماعی بر عکس سایر رسانه‌های رایج فعلی، کاربران می‌توانند اثر خلق کنند، نظر دهند و به محتوی آن بیافزایند. بارت (۱۹۹۶) نیز بیان می‌کند که شبکه‌های اجتماعی اقیانوس جهانی اطلاعات و خدمات هستند که به کاربران اجازه مشارکت در کسب و ارسال اطلاعات را می‌دهند. در مقابل با توجه به خنثی نبودن فناوری شبکه‌های اجتماعی و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فناوری و انسان بر یکدیگر، مسأله اساسی چالش‌های اخلاقی بهره‌گیری از آن‌ها است، بدین معنی که اگر کاربران آن در مسیر نادرستی قدم بر دارند، شبکه‌های اجتماعی آن‌ها را سریع‌تر به مقصد می‌رساند، نیسی و مدحج (۱۳۹۰) در پژوهش خود نتیجه گرفتند؛ با توجه به گمنامی کاربران و سهولت استفاده از شبکه‌های اجتماعی، حق مصون بودن حریم خصوصی و داده‌های شخصی در آن به یکی از چالش‌انگیزترین مسایل حقوق انسانی بدل شده است. از طرف دیگر هوانگ و لیونگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) معتقدند که کمروبی و از خودبیگانگی از خانواده، همسالان و مدرسه با سطوح اعتیاد به چت رابطه مثبت دارد و اعتیاد به آن پیوند معنی‌داری با کاهش عملکرد تحصیلی و شغلی دارد. مطالعه کراوت<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از محسنی و همکاران، (۱۳۸۵) نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی موجب کاهش ارتباط فرد با خانواده و افزایش احساس تنهایی و افسردگی می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت؛ با توجه به عاملیت فناوری و انسان و کنش و واکنش بین آن‌ها شبکه‌های اجتماعی می‌تواند دارای جایگاه دوگانه‌ی سازنده و غیرسازنده باشد.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که با توجه به استقبال بی‌نظیر اقشار مختلف جامعه از شبکه‌های اجتماعی مجازی به ویژه دبیران و معلمان، این فناوری بخش‌های مختلف زندگی انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. مبنا و هدف اصلی شبکه‌های اجتماعی برداشتن فاصله‌ی جغرافیایی میان انسان‌ها و ایجاد تحول در عرصه ارتباطات و تبادل اطلاعات است. نقش شبکه‌های اجتماعی تکیه بر تولید، اشاعه و پردازش اطلاعات، در دسترس قراردادن آن برای همگان در کم‌ترین زمان ممکن با حداقل هزینه‌ها و در همه زمان‌ها و مکان‌هاست (اندرسون<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳ -

۱ . Huang & Leung

۲ . Kraut

۳ . Anderson

۱۱). سهولت گفتگو و تبادل اطلاعات با دیگران از طریق چت<sup>۱</sup>، سرعت تبادل اطلاعات و ناشناخته ماندن مبادله‌کنندگان و امکانات و قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی مانند دستیابی به اطلاعات در خصوص هر نوع موضوعی، ارسال و دریافت نامه‌های الکترونیکی، خرید هر نوع لوازم از طریق سفارش الکترونیکی باعث شده است که شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده‌ی بخش عظیمی از گروه‌های مختلف اجتماعی در تمام سنین قرار گیرد. در مقابل گسترش روابط خارج از عرف و شرع در بین دختران و پسران، افزایش خیانت زناشویی، تهدید بنیان خانواده، تبلیغ سبک زندگی غربی، رواج فرهنگ هرزه‌نگاری و بی‌بندوباری و تضعیف بینش دینی و مذهبی در جامعه می‌تواند بخشی از چالش‌های شبکه‌های اجتماعی بر کاربران باشد (صالحی و برادران، ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان گفت که شبکه‌های اجتماعی مجازی به مثابه یک تیغ دو لبه است که با آموزش صحیح و فرهنگ‌سازی می‌توان استفاده‌های فراوانی از آن‌ها نمود. بنابراین ضروری است با توجه به جایگاه انکارناپذیر آن بر زندگی انسان‌ها، جایگاه عضویت در آن بر زندگی خانوادگی و زناشویی دبیران مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس هدف اصلی این پژوهش نمودشناسی تجربه‌ی عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی و جایگاه آن بر زندگی خانوادگی و روابط زناشویی آن‌ها است.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از «روش نمودشناسی هرمنوتیکی<sup>۲</sup>» یا «نمودشناسی تفسیری<sup>۳</sup>» از رویکردهای پژوهش کیفی (گیون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) صورت گرفته است. این روش نخستین بار از سوی هایدگر<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) و برای توصیف و بررسی بودن و نیز هستی آدمی به کار گرفته شد. او برای این کار نمودشناسی هوسرل<sup>۶</sup> را با اندیشه‌های دیلتی<sup>۷</sup> درباره فهم<sup>۸</sup> آمیخت که هم نمودشناسی و هم هرمنوتیک را متحول کرد.

واژه نمودشناسی به معنی توصیف نمودهای گوناگون، از سوی هوسرل همچون روش و نگرش فلسفی به کار گرفته شده است. به باور هوسرل (ساکولوفسکی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰) نمودشناسی روشی است که

۱ . Chat

۲ . Hermeneutical phenomenology

۳ . Interpretive phenomenology

۴ . Given

۵ . Heidegger

۶ . Husserl

۷ . Dilthey

۸ . Understanding

۹ . Sokolowski

«دیدن» ذات، حقیقت یا معنای هر چیزی را ممکن می‌کند. او قاعده نمودشناسی یا به سخن دیگر شناسایی هر موضوع را، آن چنان که نمودار می‌شود، «فروکاهش» می‌داند. باید موضوع از پیرایه‌ها پیراسته شده و به ویژگی‌های ذاتیش فرو کاهیده شود و لازم است هرگونه داوری، نظر و پیش‌فرضی درباره موضوع بررسی کنار گذاشته شود و به دور از هر گونه توضیح و تفسیری تنها دید و گزارش و توصیف کرد تا ذات موضوع نمایان شود. پس باید آموخته‌های گوناگون نظام‌های فلسفی یا به سخنی همه آموزه‌های گذشته کنار گذاشته شوند و فقط نمودهایی که آشکار شده‌اند، نگریسته و توصیف شوند.

هایدگر و برخی از اندیشمندان بر این باورند که آرمان هوسرل یعنی کنار گذاشتن هرگونه زمینه و آموزه‌ای، ناممکن است. هایدگر در این باره به اندیشه‌های دیلتی درباره تفاوت رویدادهای طبیعی و تجربه‌های انسانی و دانش درباره آن‌ها نظر دارد. به باور دیلتی (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷) تفاوت بنیادی دانش درباره رویدادهای طبیعی و تجربه‌های انسانی در آن است که اولی در جستجوی «تبیین» رابطه علی و بستگی میان رویدادهایی است که در «بیرون» آدمی رخ می‌دهند و دومی در جستجوی فهم مفهوم‌هایی است که در پیوند با زندگی آدمی و جنبه‌های گوناگون آنند؛ به سخن دیگر در علم‌های انسانی، سخن بر سر «فهمیدن» یا دریافتن «تجربه زندگانی» است و از همین رو باید به درون راه یافت و از درون دریافت. او فهمیدن را «باز یافتن من در تو» خوانده و در آن بر وابستگی «تجربه زندگانی»، «فهمیدن» و «بیان کردن» تأکید می‌کند و فرایند فهم را از راه «دور هرمنوتیکی» یعنی دریافت وابستگی دو سویه جزء و کل به یکدیگر ممکن می‌داند. دور هرمنوتیکی در تمام سطح‌های فهمیدن برقرار است. در پایین‌ترین پایه، یعنی فهم یک گزاره، فهمیدن گزاره وابسته به فهمیدن معنای واژه‌های آن است و فهمیدن معنای واژه‌ها نیز وابسته به فهمیدن معنای گزاره‌ای که در آنند. اما فرایند فهمیدن در سطح‌های بالاتر نیز چنین است و در هرگونه فهمیدن متنی، زمینه و افقی در کار است. هرگونه دریافتی بر پایه پیش دریافتی است و دریافت‌های تازه بسا زمینه‌ای برای دگرگونی یا تحول دریافت‌های پیشین است.

هایدگر با پیگیری اندیشه‌های دیلتی، هرمنوتیک را همچون نمودشناسی بودن خوانده و آن را فراتر از روشی در علوم انسانی به کل گستره زندگی آدمی گسترش داده است (شورت، ۱۳۹۲). بر چنین زمینه‌ای نمودشناسی تفسیری رویاروی نمودشناسی فرارونده هوسرل قرار می‌گیرد؛ نمودشناسی فرارونده در جستجوی فروکاهش هر نمود به ذات آن و کنار نهادن پیش فرض‌ها و پیش فهم‌ها درباره آن است در حالی که در نمودشناسی تفسیری، پیش فرض‌ها و پیش فهم‌های پژوهشگر، نقطه آغازین و همچون زمینه و افق پژوهش هستند (گیون، ۲۰۰۸).

در این پژوهش از نمودشناسی تفسیری با تأکید بر رویکرد ون منن<sup>۱</sup> برای کشف تجربه‌های زیسته دبیران درباره عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و جایگاه آن در روابط خانوادگی و زناشویی بهره

۱. Van Manen

گرفته شده است. به باور ون منن (۲۰۰۱) نمودشناسی تفسیری، رویکردی نظام‌مند برای مطالعه و تفسیر نمودها است و فرصتی فراهم می‌کند تا نمود موردنظر با رویکردی تفسیری تحلیل شود تا پژوهشگر در فرایند تفسیر، تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان را درک کند. ون منن سه مرحله را برای هدایت پژوهش نمودشناسی تفسیری در قلمروی تربیت پیشنهاد می‌کند. گام نخست گردآوری داده‌های مربوط به «زیست جهان» مشارکت‌کنندگان و نیز خود پژوهشگر است. تجربه‌های زیسته پژوهشگر از آن رو لازم است که از سویی او خود درباره مسأله پژوهش تجربه‌هایی دارد و از سوی دیگر او است که تجربه‌های زیسته دبیران را تفسیر می‌کند. گام دوم آشکار ساختن موضوع‌های زیربنایی است. گام سوم، سازماندهی پیشنهادها و جهت‌گیری‌ها برای اقدام عملی بر مبنای یافته‌های حاصل از برداشتن گام‌های پیشین است. بدین ترتیب این گام‌ها چارچوبی برای اندیشه‌ورزی درباره نمود مورد مطالعه و تفسیر آن فراهم می‌کنند.

با نظر به هدف پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان از میان دبیران آموزش و پرورش شهرستان روانسر بودند که از سویی متأهل و دارای حداقل یک فرزند بودند و از سوی دیگر بیش از یک سال از عضویت آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی مجازی گذشته بود. در مجموع تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۶ نفر از دبیران می‌باشند که ۸ نفر آن‌ها مرد و ۸ نفر دیگر زن می‌باشند. ضمناً سعی شد از رشته‌های مختلف شغلی از بین دبیران انتخاب گردد. جهت جمع‌آوری داده‌ها نیز از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و ژرف و از نمونه‌گیری هدف‌مند و در دسترس بهره گرفته شد. در فرآیند مصاحبه از سوالات باز و نیمه سازمان‌یافته استفاده شد به گونه‌ای که دبیران در پاسخ به سوالات آزادی عمل داشتند و تنها وظیفه محقق کنترل جهت پاسخ‌ها بود تا از مسیر اصلی پژوهش خارج نشوند. مصاحبه با سه پرسش درباره تجربه‌ی زیسته عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی مجازی شروع شد:

- علل گرایش شما به عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی چیست؟

- چالش‌های عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روابط خانوادگی و زناشویی چیست؟

- چه راه‌کارهایی برای کاهش چالش‌های شبکه‌های اجتماعی بر روابط خانوادگی و زناشویی دارید؟

با توجه به ملاحظات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت آگاهانه در مصاحبه شرکت نمودند. لازم به ذکر است که اصول محرمانه بودن اطلاعات و کسب رضایت آگاهانه جهت مصاحبه و ضبط گفتگو رعایت شد. ضمناً برخورداری از حق کناره‌گیری از پژوهش در هر زمان از جمله ملاحظات اخلاقی بود که رعایت شد. جهت ضبط صدای شرکت‌کنندگان از آنها اجازه گرفته شد. پس از پایان هر مصاحبه داده‌های مصاحبه‌ها به متن تبدیل

شدند و متن حاصل تحلیل موضوعی<sup>۱</sup> شد. جداسازی و نگارش گزاره‌های موضوعی برای هر مصاحبه جداگانه انجام شد. بدین ترتیب دسته‌بندی‌های نخستین شکل گرفت و موضوع‌های مربوطه در آن‌ها جای گرفتند. با تلفیق موضوع‌های تکراری و مشترک و حذف موضوع‌های نامرتبط موضوع‌های بنیادی مشترک نمودار شدند. سپس جهت بررسی روایی و دقت پژوهش، اعتبار<sup>۲</sup>، اطمینان<sup>۳</sup> و تأییدپذیری<sup>۴</sup> داده‌ها، به این ترتیب بررسی شد (هالوی و ویلر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲) که برای آزمون اعتبار یافته‌های پژوهش در اختیار دبیران قرار گرفت و آن‌ها یافته‌های پژوهش را با تجربه‌های زیسته‌ی خود بعد از تطابق پذیرفتند. همچنین ژرفاندیشی و علاقه‌مندی و دقت پژوهشگران در فرآیند مصاحبه و توصیف، تجزیه و تحلیل و تفسیر متون مصاحبه اطمینان و تأیید پذیری یافته‌ها را تضمین کرده است. به منظور تبیین صحت و استحکام داده‌ها روش عینیت‌پذیری که یکی از ویژگی‌های پژوهش کیفی است به طور کامل با روش‌های زیر به اجرا درآمد.

- از هر گونه تعصب‌ورزی در مورد پدیده‌ی مورد پژوهش قبل و پس از مصاحبه اجتناب شده است.
- مطالعه و بررسی مستمر داده‌ها با اختصاص زمان کافی برای درک حقیقی داده‌ها و برقراری مناسب، بازنگری کدها و تم‌های استخراج شده و توافق نظر بر کدهای انتخابی و طبقه‌بندی تم‌ها انجام شد.
- جستجو برای یافتن داده‌های مخالف و تحلیل داده‌های منفی در نوشتار هر مشارکت‌کننده و در بین مشارکت‌کنندگان انجام گرفت.

جدول ۱: مشخصات دبیران شرکت‌کننده در پژوهش

جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته شغلی	تعداد فرزندان	سابقه استفاده از شبکه‌های اجتماعی (سال)	میانگین مدت زمان استفاده در روز (ساعت)
زن	لیسانس	هنر	۱	۲	۴
زن	لیسانس	پرورشی	۲	۳	۳
زن	فوق لیسانس	ورزش	۱	۴	۵
زن	لیسانس	مشاور	۱	۳	۳
زن	لیسانس	زبان	۲	۵	۴

۱. Thematic analysis
۲. Credibility
۳. Dependability
۴. Confirm ability
۵. Holloway & Wheeler

زن	فوق لیسانس	مدیر	۱	۶	۴
زن	لیسانس	ریاضی	۲	۴	۳
زن	لیسانس	علوم	۳	۴	۵
مرد	لیسانس	ادبیات	۱	۶	۳
مرد	فوق لیسانس	ورزش	۱	۴	۳
مرد	فوق لیسانس	مدیر	۲	۳	۴
مرد	لیسانس	ریاضی	۱	۲	۳
مرد	لیسانس	مشاور	۲	۴	۳
مرد	لیسانس	پرورشی	۱	۳	۴
مرد	فوق لیسانس	اجتماعی	۳	۴	۳
مرد	لیسانس	عربی	۲	۵	۴

### یافته‌های پژوهش

نتایج انجام مصاحبات، پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل و ادغام کدهای مشابه در یکدیگر، سه حوزه اصلی علل گرایش، چالش‌ها و راه‌کارهای کاهش چالش‌ها در شبکه‌های اجتماعی به تصویر کشیده شده است. سپس محورهای فرعی هر حوزه نیز شناسایی و تفکیک گردید. به‌طور کلی این سه حوزه و محورهای فرعی هر حوزه، مضامین علل اصلی گرایش و چالش‌های این گرایش را بر زندگی زناشویی و خانوادگی دبیران را شرح می‌دهد.

#### الف- تجربه دبیران درباره‌ی علل گرایش به شبکه‌های اجتماعی

یافته‌های حاصل از تحلیل نتایج مصاحبه با دبیران شرکت‌کننده نشان می‌دهد که مهمترین دلایل گرایش آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی شامل موارد زیر می‌باشد.

۱- تسهیل برقراری ارتباط اجتماعی آسان و ارزان: ظهور و گسترش شبکه‌های اجتماعی نوین این فرصت را در اختیار کاربران گذاشته که نوع جدیدی از ارتباطات صوتی و تصویری را تجربه کنند؛ کاربران این گوشی‌ها با نصب نرم‌افزارهای مختلف داخلی (مانند سروش، ایتا و ..) و خارجی (مانند وایبر، تلگرام، ایمو، واتس‌آپ، لاین و ...) بر روی گوشی‌های خود و با اتصال به اینترنت پر سرعت گام به دنیای ارتباط مجازی سریع و ارزان می‌نهند؛ ارتباطاتی که در تمام لحظات زندگی حضور دارد و تغییرات تأمل برانگیز را بر سبک‌های ارتباطی در دنیای واقعی بر جای می‌گذارند. بنابراین دبیران مشارکت‌کننده، شبکه‌های اجتماعی را محیط مناسب جهت برقراری روابط اجتماعی آسان و ارزان با دیگران (با اقوام، دوستان و آشنایان) می‌دانند.



«شبکه‌های اجتماعی برقراری ارتباط را با دیگران بسیار آسان کرده است، از نظر اقتصادی هم مقرون به صرفه است و می‌توانم با ایجاد یک گروه مجازی متشکل از افرادی مورد نظر همزمان راجع به موضوعات مختلف با آن‌ها گفتگو کنم» (دبیر ۶).

«ارتباط از طریق شبکه‌های اجتماعی محدودیت‌های زمانی و مکانی ارتباطات چهره به چهره را ندارد و هر زمان که بخواهم می‌توانم با همسر، والدین و افراد موردنظر ارتباط برقرار کنم» (دبیر شماره ۹).

«برخی از اقوام و دوستان من در کشورها و شهرهای دور از ما زندگی می‌کنند که ممکن است سال‌ها نتوانیم همدیگر رو از نزدیک ببینیم اما از طریق شبکه‌های اجتماعی به راحتی می‌توانم با آن‌ها ساعت‌ها بدون نگرانی از هزینه‌های تماس به صورت صوتی یا تصویری صحبت کنم» (دبیر شماره ۵).

«شبکه‌های اجتماعی دارای قابلیت‌های همزمان بی‌نظیری نظیر چت کردن، تماس تصویری رایگان و سرعت بالا هستند که به نظر من بی‌نظیر است و در هیچ فناوری دیگری وجود ندارد» (دبیر شماره ۱۰).

«به نظر من قابلیت ارسال و دریافت عکس و فیلم در شبکه‌های اجتماعی برای من بسیار هیجان‌انگیز است، چرا که تغییرات برادرزاده‌ام که در کشور هلند به دنیا آمده است و زندگی می‌کنه را کاملاً حس می‌کنم» (دبیر شماره ۹).

۲- پر کردن اوقات فراغت: واقعیت این است که شبکه‌های اجتماعی فضا و بازاری را نیز برای ارائه برنامه‌های سرگرم‌کننده مهیا نموده است. به دلیل رشد فناوری و الکترونیکی شدن زندگی بشر، دنیای امروز دنیای پر فراغت خوانده شده است که با چالش پر کردن مفید این اوقات مواجهه‌ایم. در این بین اکثر دبیران شبکه‌های اجتماعی را ابزار و راهی مناسب و کم‌دردسر برای پر کردن این اوقات می‌دانند.

«من به خاطر شرایط کاری و سنی‌ام علاقه زیادی برای بیرون رفتن و استفاده از امکانات ورزشی و تفریحی شهرم ندارم، به همین خاطر از سرگرمی‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی نظیر بازی‌های آن‌لاین نظیر کلش آف کلنز، تماشای فیلم، گوش دادن به موسیقی و موزیک ویدئوهای مورد علاقه‌ام در مواقع بیکاری استفاده می‌کنم» (دبیر شماره ۱۵).

«من معمولاً در روزهای پایانی هفته و زمان‌های استراحتم از کانال‌ها و شبکه‌های مفید اجتماعی مانند کتابخانه‌های مجازی، جملات فلسفی و روان‌شناسی ماندگار، جملات طنز و عاشقانه، هنرهای معلمی و .. جهت بهره‌گیری بهینه از اوقاتم استفاده می‌کنم» (دبیر شماره ۳).

«واقعیتش من علاقه چندانی برای ثبت‌نام حضوری در کلاس‌ها هنری و ورزشی به دلیل شهریه‌های بالا و دوری این کلاس‌ها از محل زندگی‌ام ندارم. به همین دلیل من از کانال‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی مانند آشپزی، هنرهای تزئینی، تربیت کودکان و ... در اوقات بیکاری‌ام استفاده می‌کنم و سعی می‌کنم در زندگی شخصی و شغلی خودم از آن‌ها بهره‌گیرم» (دبیر شماره ۲).

۳- تسهیل آزادی بیان، افکار و ایده‌ها: امروزه در شبکه‌های اجتماعی افکار، دانش‌ها و ایده‌های مختلف بدون سانسور به اشتراک گذاشته می‌شود و همه می‌توانند آزادانه در آن ابراز عقیده کنند و هیچ فکری بر دیگری برتری ندارد و رفتار افراد در جریان مفاهمه و گفتگو در حوزه‌ی عمومی باید عاری از فشار و سلطه و در شرایطی عادلانه، آزادانه، آگاهانه و برابر صورت گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۵). هابرماس (۱۳۸۶) نیز بر این باور است که در کنش ارتباطی فرد عامل برای به دست آوردن تفاهم و توافق هیچ سلاحی جز استدلال منطقی و قانع‌کننده ندارد. همسو با این نتایج، تجربه دبیران نیز تا حدود زیادی با این موضوع مطابقت داشت، مثلاً:

« بارها پیش آمده که در یک گروه مجازی بر سر یک موضوع بحث و گفتگوی شدیدی صورت گرفته است و من هم از دیدگاه خودم به آن نگریده‌ام و نظرم را در گروه بیان کرده‌ام و البته با سایر نظرات هم با دلیل و منطق مخالف کرده‌ام» (دبیر ۱۱).

«من معمولاً هنگام صحبت کردن در جمع‌های ناآشنا دچار اضطراب و استرس شدید می‌شوم و نمی‌توانم نظرم رو به خوبی بیان کنم و به همین خاطر بیشتر شنوده هستم تا گوینده، اما در گروه‌های شبکه‌های اجتماعی به راحتی و با اضطراب کمتر می‌توانم دیدگاه و عقیده‌ام را بیان کنم» (دبیر ۲).

۴- افزایش و پرورش غم‌خواری (همدلی و همدردی): غم‌خواری، معادل جمع میان همدلی و همدردی است. همدلی بدان معنا است که کسی در عالم تصور و خیال، خود را چونان شخص دیگری قلمداد کند و بتواند دریابد از منظر او جهان، چگونه ادراک می‌شود، چه باورها، احساسات، عواطف و خواسته‌هایی دارد. اگر انسان بتواند بدین صورت با دیگری همدلی داشته باشد، آنگاه با درد و رنج‌هایی که آن شخص را آزار می‌دهد، او هم آزرده می‌شود. اگر چنین اتفاقی رخ داد علاوه بر همدلی، همدردی با آن فرد نیز در انسان ایجاد شده است (ملکیان، ۱۳۹۰). دبیران نیز بر این باورند بودند که علت گرایش آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی وجود غم‌خواری در آن است.

«گاهی به دلیل مشکلات خانوادگی و شغلی حوصله هیچ کسی را نداشته‌ام اما وقتی در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی با هم‌گروه‌هایم درد دل کرده‌ام، خیلی خوب درکم کردند و حرف‌هایشان و غم‌خواریشان بسیار تأثیرگذار بوده است» (دبیر ۴).

«... پس از این اتفاقات دیدم کسی حرف‌ها و ناراحتی مرا درک نمی‌کند، لذا به دوستانی نیاز داشتم که بتوانند مرا درک کنند و بفهمند. لذا از طریق شبکه‌های اجتماعی با دوستانی که این شرایط را داشتند اما از نظر جغرافیایی و مکانی از من دور بودند چت می‌کردم و غم‌خواری آن‌ها بسیار کمک‌کننده بود» (دبیر ۱۳).

۵- دستیابی به آخرین اخبار، اطلاعات و رویدادها (یادگیری مداوم): اکثر دبیران دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی را قرار گرفتن در جریان اخبار و اطلاعات روز دنیا عنوان کرده‌اند. باید گفت که یکی از کارکردهای شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی و آگاه کردن عموم مردم جامعه از وقایع، حوادث و رویدادهای علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ورزشی و ... در سطوح مختلف استان، کشور و جهان است که روی می‌دهد. اکثر دبیران نیز در مصاحبه‌های خود بیان نمودند که شبکه‌های اجتماعی آن‌ها را در این حوزه‌ها به روز نگه می‌دارد.

«من قبلاً روزنامه و مجله می‌خریدم که هم وقت‌گیر، پرهزینه و اطلاعاتش هم محدود بود. اما امروزه شبکه‌های اجتماعی باعث شده است که من از آخرین اخبار، اطلاعات و حوادث رخ داده در کشور و جهان در همه حوزه‌ها (ورزشی، اقتصادی و ...) بدون هزینه و صرف وقت، در کمترین زمان از لحظه رخ دادن آگاه شوم» (دبیر ۱۰):

«من هر روز، کانال‌ها و گروه‌های خبری مجازی را چک می‌کنم تا در جریان آخرین رویدادهای روز کشور و جهان قرار بگیرم، چون به علت مشغله‌های منزل و پخت و پز وقت زیادی برای بیرون رفتن و خرید روزنامه و مجله و یا گفتگو با همشهری‌هایم را ندارم» (دبیر ۱۲).

«من معتقدم چنانچه بخواهم به آخرین مقاله، کتاب و یا خبری که در یک زمینه‌ی تخصصی و در سطح جهان منتشر شده دست یابم، ساده‌ترین و سریع‌ترین راه استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است» (دبیر ۱۶).

۶- یادگیری و آموزش: شبکه‌های اجتماعی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که بتوانند فضای تعامل و اشتراک‌گذاری محتوی را بین کاربران ایجاد کنند و مبنای شکل‌گیری گروه‌ها و جمعیت‌های آن‌لاین شوند. بنابراین افراد، گروه‌ها و موسسات مختلف جامعه از شبکه‌های مختلف اجتماعی برای تعامل، آموزش، سازماندهی و اشتراک فرآورده‌های فرهنگی، علمی، هنری و ورزشی خود بهره می‌گیرند. در این خصوص نیز اکثر دبیران به دلیل تخصص در موضوعات مورد تدریس‌شان اقدام به عضویت در کانال‌ها و گروه‌های مختلف کرده‌اند و یا خود به ایجاد کانال‌های مختلف پرداخته‌اند.

«... امروز عصر نیم عمر اطلاعات است. مخصوصاً ما دبیران بیشتر از بقیه شغل‌ها نیاز به بروز کردن خودمان داریم. من معمولاً از کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی برای دسترسی به آخرین اطلاعات، معلومات و ایده‌ها استفاده می‌کنم» (دبیر ۸).

«من برخی سوالات دینی و مذهبی داشتم که فرد خاصی را نمی‌شناختم که بتوانم پاسخ آن‌ها را پیدا کنم. اما در یک کانال تلگرامی با عنوان پاسخ به سوالات دینی و مذهبی عضو شدم، سوالاتم را مطرح کردم و چند دقیقه بعد پاسخ کامل آن‌ها به همراه منابع را دریافت نمودم» (دبیر ۷).

«من برخی اوقات سوالات و مشکلاتی در مورد مسائل مختلف برایم پیش می‌آید که نمی‌توانم به صورت حضوری با کسی در میان بگذارم و یا به دکتر مراجعه کنم اما در کانال‌های تخصصی مجازی به صورت ناشناس این سوالات را مطرح می‌کنم و سریع و رایگان پاسخ‌هایم را دریافت می‌کنم» (دبیر ۴).

«من خودم یک کانال مجازی دارم و اکثر شاگردهایم عضو این کانال شده‌اند و در آن مطالب درسی (ریاضی) و غیر درسی که فکر می‌کنم به دردشان می‌خورد را قرار دهم» (دبیر ۷).

«به علت مشغله‌های کاری و بچه‌داری وقت نمی‌کنم در کلاس‌های هنری بیرون ثبت‌نام کنم. به همین خاطر در چند کانال بسیار مفید آشپزی، میوه‌آرایی و خانه‌داری عضو شده‌ام و از مطالب، تصویرها و فیلم‌هایش استفاده زیادی می‌کنم» (دبیر ۵).

«در برخی از کانال‌ها و گروه‌ها اطلاعات بسیار مفیدی در مورد مهارت‌های زندگی نظیر هنر میوه آرایی، آشپزی و نحوه‌ی پخت غذاهای مختلف و خانه‌داری کسب می‌کنم و از آن‌ها در زندگی‌ام بهره می‌گیرم» (دبیر ۱).

«به نظرم شبکه‌های اجتماعی بهترین ابزارها و فناوری‌های روز برای آموزش و یادگیری هنرهای زندگی مانند آشپزی، سفره‌آرایی، خانه‌داری، فرزندپروری و همسر داری برای عموم مردم است، چرا که خود من یک کانال مجازی جهت آموزش این موارد به شاگردان و مادران آن‌ها دارم» (دبیر ۷).

در مجموع، با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت؛ مهمترین علل گرایش دبیران به شبکه‌های اجتماعی وجود قابلیت‌ها و امکانات منحصر آن برای دبیران در حوزه‌ی فراهم‌آوری، ذخیره، بازیابی اطلاعات، تعامل، اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات است که زمینه‌ی برقراری ارتباط اجتماعی مجازی سریع و ارزان، دسترسی آسان و شبانه‌روزی به آخرین اخبار و اطلاعات، پر کردن اوقات فراغت از طریق بازی‌ها و سرگرمی‌های مجازی متعدد، آزادی بیان و امکان ثبت نظرات و دیدگاه‌های خود در گروه‌های مجازی و ... را برای دبیران فراهم نموده است. در نتیجه شبکه‌های اجتماعی با ارائه‌ی ویژگی‌های کاربرپسند توجه بسیاری از دبیران را به خود جلب نموده است و بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی آن‌ها شده است.

#### ب- تجربه دبیران درباره چالش‌های گرایش به شبکه‌های اجتماعی

آیدی (۲۰۰۹) و بونگه (۲۰۰۳) بر این باورند که به واسطه‌ی خنثی نبودن فناوری شبکه‌های اجتماعی ممکن است برخی از ابعاد زندگی ما را به بهای تضعیف برخی ابعاد دیگر (در اینجا زندگی خانوادگی و زناشویی دبیران) تقویت کند. در ادامه به برخی از چالش‌ها بر اساس تجربه دبیران اشاره خواهیم کرد:

۱- هنجار شکنی ۱: هنجارشکنی پدیده‌ای است که با شکسته شدن معیارها و از بین رفتن حدود و ثغور فرهنگ‌ها همراه است، هیچ‌گونه مرزبندی را نمی‌پذیرد و فرصت مجاز برای هر نوع ارتباطی را که عرف جامعه می‌پسندد یا نمی‌پسندد فراهم می‌آورد. بنابراین اگر حد و مرزی در گفتار و رفتار در جامعه وجود نداشته باشد انسان‌ها می‌توانند به هرکاری مبادرت ورزند و در این صورت سخن گفتن از رفتار اخلاق (بایدها - نبایدها) و دینی (واجب - حرام) بیهوده خواهد بود (علم‌الهدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). اکثر دبیران اشاره کردند که عضویت در شبکه‌های مجازی قبح و ارزش برخی از مسائل اخلاقی، ارزشی و اعتقادی را در نظر آن‌ها، همسران و فرزندان‌شان از بین برده است. دبیران به این چالش با عناوین مختلفی مانند کم شدن اهمیت روابط خانوادگی و زناشویی، کاهش پیوندهای عاطفی، افزایش بدبینی، سردی روابط و ... اشاره کردند.

«قبل از آشنایی با شبکه‌های اجتماعی و عضویت در آن انجام اعمال مذهبی و دینی برایم بسیار مهم و حیاتی بودند به گونه‌ای که نمازهایم را سر وقت می‌خواندم و حتی به خواندن نمازهای مستحب و قرائت قرآن نیز رغبت زیادی داشتم، اما حالا اکثر اوقات سرم توی شبکه‌های اجتماعی گرمه و حتی نمازهای واجبم رو هم سر وقت نمی‌تونم بخوانم» (دبیر ۵)

«محتوای برخی گروه‌ها و کانال‌های اجتماعی مرا دچار تردید و دودلی کرده‌اند، چون کارها و اعمالی که برایم ارزش و اخلاقی هستند را زیر سوال می‌برند و بی‌ارزش می‌دانند، مانند پوشش و حجاب، رعایت محرم و نامحرم، حلال و حرام و ...» (دبیر ۲).

«من قبلاً روزهای آخر هفته سعی می‌کردم همسر و فرزندم رو به پارک ببرم، به دیدن والدین و اقوام برویم، اما این روزها این قدر به این کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی وابستگی پیدا کرده‌ام که فرصت نمی‌کنم به این کارها برسم. همین مسأله باعث ناراحتی و نارضایتی همسرم شده است» (دبیر ۱۱).

«علاقه زیادم به به شبکه‌های اجتماعی باعث شده که از تعهد و مسؤلیت‌هایی خانوادگی‌ام در قبال همسر، فرزندان و والدینم غافل بمانم. همین موضوع باعث بروز اختلاف و مشکلات عاطفی بین من و همسرم شده است و حتی به من بدبین و مشکوک شده است» (دبیر ۱۶).

«عضویت در شبکه‌های اجتماعی و مشغول شدن به سرگرمی‌های آن باعث شده است که کمتر به فکر همسر و فرزندانم باشم، چند بار هم متوجه شدم که هر وقت گوشی‌ام رو زمین می‌گذارم همسرم به یک بهانه‌ای محتوای آن را چک می‌کند» (دبیر ۱۵).

«مدتی است که همسر من از شبکه‌های اجتماعی به صورت افراطی استفاده می‌کند، حتی برای گوشی اش رمز قرار داده است. به شدت به او بدگمان شده‌ام و این مسأله باعث شده است که نتوانم با او ارتباط بسیار گرمی داشته باشم» (دبیر ۷).

۲- تضعیف مناسبات خانوادگی (کاهش تعاملات اجتماعی و عاطفی): شبکه‌های اجتماعی پدیده‌ای است که می‌تواند روابط واقعی و چهره به چهره افراد و حتی اعضای خانوادگی را کاهش و بر فردیت افراد بیافزاید (پست‌من ۱، ۱۹۹۵؛ نیسن باوم و واکر ۲، ۱۹۹۸). در نتیجه کاهش تعاملات زوجین به دلیل گذراندن ساعات زیادی از شبانه‌روز در شبکه‌های اجتماعی، باعث سردی روابط بین آنان و عدم توجه به نیازهای یکدیگر شده و تنش‌های عاطفی و جنسی بین آنان را دامن می‌زند. مثلاً:

«فکر می‌کنم از شبکه‌های اجتماعی زیاد استفاده می‌کنم و این موضوع باعث کاهش صمیمیت و علاقه‌ی همسر من شده است» (دبیر ۱۰).

«من و همسر من و فرزندم معمولاً از شبکه‌های اجتماعی زیاد استفاده می‌کنیم، به همین دلیل کمتر با هم گفتگو می‌کنیم. الان احساس می‌کنم ما بیشتر هم‌خانه همستیم تا یک خانواده» (دبیر ۶).

«رک بگم من بیشتر دوست دارم تنها باشم و در کانال‌ها و گروه‌های مختلف باشم تا مهمانی برم و یا مهمان دعوت کنم و همین دلیل اکثر اوقات با همسر من درگیری دارم» (دبیر ۷).

«بعضی وقت‌ها مشغولیت زیاد با شبکه‌های اجتماعی باعث میشه که از همسر و فرزندم بی‌خبرم باشم و مثل سابق نتونم به آن‌ها توجه کنم و حتی به خواسته‌هاشون گوش کنم، احساس می‌کنم از خانواده‌ام دور شده‌ام» (دبیر ۱۳).

۳- نقض حریم خصوصی: مفهوم حریم خصوصی ۳ متشکل از سه رکن گمنامی، محرمانگی و تنهایی است (بنیسار ۴، ۲۰۰۰: ۲). اکثر دبیران بر این باورند که شبکه‌های اجتماعی این سه رکن را نادیده می‌گیرد.

«همسر من خانه‌دار است و بیشتر وقتش رو توی این کانال‌ها و گروه‌ها می‌گذراند. بارها دیده‌ام که پست‌ها و تصویرهای زندگی خصوصی‌مون را توی برخی از این گروه‌ها به اشتراک می‌گذارد و این برایم آزاردهنده است» (دبیر ۱۴).

۱. Postman

۲. Nissenbaum & Walker

۳. Privacy

۴. Banisar

«من از طریق شبکه‌های اجتماعی تصاویر و فیلم‌های خصوصی و شخصی خودم رو در گروه‌های خانوادگی و دوستان قرار می‌دادم، اما دوستانم بدون اجازه‌ی من تصاویر و فیلم‌های خصوصی‌ام رو در کانال‌ها و گروه‌های دیگه‌ای مانند اینستاگرام قرار داده بودند که همین مسأله باعث درگیری و بروز اختلاف بین من و همسرم شد» (دبیر ۱).

«متأسفانه با وجود شبکه‌های اجتماعی، امروزه دخالت در زندگی دیگران خیلی راحت‌تر و بیشتر شده است. من یکبار با دوستم یه دلیل اختلاف داشتن با همسرم درد دل کردم اما او از محتوای گفتگوهامون عکس گرفت و به خیال خودش میخواست کمکم کنه و اونها رو واسه خانوادهم فرستاد و برعکس باعث شد که مشکلاتم بیشتر شود» (دبیر ۳).

۴- ترویج روابط غیرمتعارف (خیانت زناشویی): بورگمن برای اشاره به پیشرفت‌هایی نظیر شبکه‌های اجتماعی از اصطلاح «فراهوش ۱» استفاده می‌کند. ارتباطات فراهوشمند، موقعیت‌های غیرمنتظره‌ای برای تعاملات غیرمتعارف افراد فراهم می‌سازد به طوری که آن‌ها می‌توانند فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی با هم در تماس باشند (بورگمن، ۱۹۹۲: ۱۴۱ - ۱۴۵). می‌توان گفت که امروزه در یک جامعه‌ی غیر اخلاقی مجازی زندگی می‌کنیم که در آن صمیمیت مشروع و روابط سالم زناشوی در مخاطره‌اند (کاپورو، ۲۰۰۰: ۲۶۰ - ۲۶۲). اکثر دبیران بر این باورند که عضویت در این شبکه‌ها می‌تواند نقطه‌ی آغاز سوءاستفاده از اعتماد طرف مقابل و خیانت زناشویی (حتی به صورت فیزیکی) به همسر باشد.

«اکثر گروه‌های شبکه‌های اجتماعی مختلط هستند و در این فضاها جنس‌های مخالف بیشتر با یکدیگر در ارتباطند و با هم چت می‌کنند. بارها اتفاق افتاده است که افراد ناشناسی به صفحه‌ی شخصی ام آمده و به بهانه‌های مختلف خواسته‌اند سر بحث و گفتگو را با من باز کنند» (دبیر ۸).

«برخی از شبکه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در پی عادی‌سازی روابط غیرمشروع و پنهانی هستند. من شخصاً حس خوبی برای عضویت همسرم در این شبکه‌ها ندارم» (دبیر ۵).

«در این شبکه‌ها سوءاستفاده از افراد بسیار اتفاق می‌افتد، چند بار برام اتفاق افتاده که یک نفر برام پست‌های عاشقانه گذاشته و حتی پیشنهاد دوستی داده است، احساس می‌کنم با قبول آن به همسرم خیانت می‌کنم» (دبیر ۱۴).

۵- رواج فرهنگ بی‌بند و باری و هرزه‌نگاری: باید گفت که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی دنیای «خوب، بد و زشت» را وارد فضای خانوادگی کرده است (منینگ، ۲۰۰۵: ۴۵ - ۴۸). شبکه‌های اجتماعی دسترسی به تصاویر مستهجن را فزونی بخشیده است و به تبع آن اعتیاد هرزه‌نگاری یعنی «شرایطی که به بیش استفاده یا سوء استفاده از هرزه‌نگاری منتج می‌شود» به وجود می‌آید. در نتیجه

مرزهای میان دنیای واقعی و دنیای مجازی برای کاربران مخدوش شده و فرد دچار تعارضات اجتماعی و شخصیتی می‌شود (سامسون و کین، ۲۰۰۶). اکثر دبیران متأهل بیان نمودند که عضویت در برخی از شبکه‌های مجازی و یا استفاده از برخی سایت‌ها، به دلیل عادی نشان دادن مسائل غیراخلاقی و ساده جلوه دادن آن‌ها احتمال لغزش و تحت تأثیر قرار گرفتن را بالا می‌برد.

«برخی شبکه‌های اجتماعی، از طریق بارگذاری تصاویر و فیلم‌های مستهجن کاربران را به داشتن روابط پنهانی و مجازی با جنس مخالف تشویق و ترغیب می‌کنند» (دبیر ۹).

«برخی از شبکه‌های اجتماعی عملاً برای ترویج و اشاعه‌ی فحشا و بی‌بندباری ایجاد و تشکیل می‌شوند و با اضافه کردن اعضای جدید سعی دارند روابط جنسی پنهانی و نامشروع را در جامعه گسترش دهند و بنیان خانواده را از بین ببرند» (دبیر ۱۴).

«حس خوبی با عضویت خودم و همسر در برخی شبکه‌های اجتماعی ندارم، چون فکر می‌کنم باعث افزایش تحریکات جنسی، خیانت و نابودی زندگی‌ام می‌شود» (دبیر ۱).

«الان در برخی از شبکه‌های اجتماعی گرایش به سمت تبلیغ و ترویج آرایش و پوشش‌های آن‌چنانی است که در کشورهای غربی مخصوص روسپی‌ها و دبیران هرزه است و متأسفانه اکثر دبیران کشور خودمان بدون آگاهی و اطلاع داشتن از این موضوع به تقلید از آن‌ها می‌پردازند» (دبیر ۱۲).

۶- ترویج سبک زندگی غربی (مدگرایی و مصرف‌گرایی): سبک زندگی منعکس‌کننده‌ی گرایش‌ها و ارزش‌های فردی یا اجتماعی است. به عبارت دیگر سبک زندگی برآیند ارزش‌های درونی شده‌ی فرد است که او را ناگزیر می‌کند که به آن شیوه زندگی کند.

«برخی از شبکه‌های اجتماعی انواع مدل‌های غربی لباس و مانتوهای باز را تبلیغ و ترویج می‌دهند که هیچ سنخیتی با مبانی اسلامی ندارد و متأسفانه اکثر آقایان و خانم‌ها هم از آن‌ها تقلید می‌کنند» (دبیر ۷).

«آداب و رسوم ما صلح‌رحم، دید و بازدید، احترام به بزرگترها، عیادت از بیماران و راست‌گویی را ارزش و اموری اخلاقی می‌دانند. اما امروزه شبکه‌های اجتماعی به علت مجازی بودن اکثر این ارزش‌ها را نادیده و حتی بی‌ارزش کرده است» (دبیر ۱).

«من کسانی رو می‌شناسم که به محض این‌که مدل جدیدی از لباس، مانتو، کیف و کفش می‌آید فوراً رفته و آن‌ها را خریداری می‌کند در حالی که چندین مدل از آن‌ها را در منزل دارد» (دبیر ۳).

۷- کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی (سستی در انجام فرائض دینی): جوامع مختلف تحت تأثیر تحولات بسیار عظیم تکنولوژیکی به سمت جوامع اطلاعاتی یا جوامع شبکه‌ای در حال حرکت‌اند. جامعه شبکه‌ای،



جامعه‌ای است که ساختار آن متأثر از فناوری است. به نظر می‌رسد به علت وجود این چالش‌ها انسجام اجتماعی و هویتی در جوامع اطلاعاتی و به خصوص در کشورهای در حال توسعه متزلزل شده است (استفانسکو و همکاران، ۲۰۰۹). اکثر دبیران بر این چالش تأکید داشتند، مثلاً

«گاهی اوقات به قدری غرق کانال‌ها و گروه‌های اجتماعی می‌شوم که متوجه گذر زمان نمی‌شوم، تازه می‌فهمم که نمازم قضا شده است» (دبیر ۱۰).

«برخی از کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم عقاید و ارزش‌های دینی و مذهبی رو زیر سوال می‌بره و به نظرم برای افرادی که اطلاعات کافی در این حوزه ندارند باعث میشه نسبت به باورهای دینی و اعتقادی خودشون شک کنند و کم‌کم دیدشون بد بشه» (دبیر ۲).

پس از بررسی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی بر زندگی خانوادگی و زناشویی دبیران به خوبی می‌توان دریافت که بر خلاف داورهای ارزشی مبنی بر یکسره مفید دانستن شبکه‌های اجتماعی مجازی و یا به کل مضر دانستن آن، اینک رویکرد غالب، رویکردی منصفانه و از سر واقع‌بینی است که داورهای خشک و جزمی را فرو گذاشته و با احتیاط و دوراندیشی، هم تأثیرات کوتاه‌مدت، موقتی و سطحی‌تر را مدنظر قرار می‌دهد و هم تأثیرات دائمی و عمقی‌تر را از نظر دور نمی‌دارد. همچنین دبیران روابط دیرپای مبتنی بر فضای واقعی را از روابط تازه پا گرفته‌ی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی خود متمایز و منفک نمی‌کنند، در حالی که انتظار می‌رود دبیران به عنوان منبع و منشأ مهر و محبت و عاطفه در خانواده بتوانند با تقویت ارتباطات واقعی و گفتگوهای منطقی اعضاء، خود و اعضای خانواده را از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی دور کند.

#### ج- راه‌کارهای پیشنهادی دبیران جهت کاهش چالش‌های شبکه‌های اجتماعی

فین‌برگ (۲۰۰۲) بر این باور است که فناوری (در اینجا شبکه‌های اجتماعی مجازی) نه ابزاری خنثی است که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند آن را با اهداف متفاوت مورد استفاده قرار دهند و نه تقدیری است که تنها خدا بتواند ما را از آن نجات دهد، بلکه امری ارزش‌بار است که با مشکلاتی روبه‌روست و می‌تواند دگرگون شود. بنابراین باید قبول کرد که شبکه‌های اجتماعی علی‌رغم دارا بودن امکانات و قابلیت‌های مفید، می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر زندگی زناشویی و خانوادگی آن‌ها بگذارد، در نتیجه باید با ارائه‌ی راه‌کارهای منطقی و عقلانی بتوانیم چالش‌های آن را به حداقل برسانیم. راه‌کارهای ارائه شده‌ی دبیران جهت کاهش چالش‌ها به شرح ذیل می‌باشد.

- فرهنگ‌سازی: اکثر دبیران بر این باور بودند که فرهنگ وارداتی غرب توسط شبکه‌های اجتماعی بسیار خطرناک هستند و اگر فرهنگ استفاده صحیح از این شبکه‌های را ندانیم خیلی راحت تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیریم و ممکن است زندگی که سال‌ها برای تشکیل آن زحمت کشیده‌ایم خیلی راحت از

دست بدهیم (دبیران ۹۱۳ و ۹)، فرزندان که بزرگ‌ترین سرمایه‌های ما هستند را فراموش کنیم و در زندگی حقیقی آن‌ها را نبینیم، درک نکنیم و به حال خود رها کنیم (دبیران ۱۵، ۷، ۱، ۳). در نتیجه بدون فرهنگ‌سازی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع برای این فضای دوم و بی‌نهایت، نمی‌توان از مزایای آن برای زندگی آسان‌تر، سالم‌تر و ارزان‌تر استفاده کرد و باید هر روز به هجومی دیگر از سوی «فرهنگ مهاجم» حاکم بر دنیا چشم دوخت و واپس کشید

- تقویت و تنوع‌بخشی به برنامه‌های صدا و سیما ملی: دبیران معتقد بودند که برنامه‌های تلویزیون در زمان‌هایی که آن‌ها در منزل تنها هستند برنامه‌ی جذاب، آموزنده، متنوع و سرگرم‌کننده‌ای ندارد که بتوانند وقت خود را به پای آن‌ها بگذارند (دبیران ۲، ۸)، اکثر برنامه‌های تلویزیون در صبح‌ها تکرار برنامه‌های شب گذشته هستند (دبیر ۴)، لذا ناچار می‌شویم از شبکه‌های اجتماعی استفاده کنیم. در نتیجه راه‌کار اکثر دبیران این بود که کیفیت برنامه‌ها و محتوای رسانه‌ی ملی افزایش یابد، زیرا اگر برنامه‌ها برای مخاطبان آن (مخصوصاً دبیران متأهل خانه‌دار) جذابیت نداشته باشد، زمینه‌ی گرایش آن‌ها به سمت برنامه‌های ماهواره و فضای مجازی بیشتر می‌شود.

- اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی جامعه و خانواده‌ها: متأسفانه در شبکه‌های اجتماعی اکثر تجاوز به حریم خصوصی افراد ناشی از نا آگاهی و نداشتن سواد رسانه‌ای است که باعث می‌شود برخی کاربران اطلاعات، تصاویر و فیلم‌های شخصی و خانوادگی خودشان را در اختیار افراد غریبه قرار می‌دهند (دبیران ۸، ۵، ۴)، برای افزایش تعداد طرف‌دارانش بدون رعایت نکات امنیتی تمام زندگی خصوصی‌اش را در دسترس همگان در شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهد (دبیران ۱۰، ۶، ۱۲) و تمام این اشتباهات ناشی از نا آگاهی و عدم اطلاع‌رسانی توسط نهاد، سازمان‌ها و رسانه‌های ذیربط است. لذا باید وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد، نیروی انتظامی و سایر نهادهای فرهنگی کشور درباره‌ی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی به شهروندان آموزش‌های لازم را بدهند تا امنیت اجتماعی و اخلاقی خانواده‌ها ایجاد شود.

- برنامه‌ریزی اوقات فراغت در دنیای واقعی: اکثر دبیران مورد مصاحبه بر این باورند که متأسفانه در سطح شهرشان امکانات تفریحی، ورزشی، فرهنگی و آموزشی جهت پر کردن اوقات فراغت‌شان وجود ندارد و یا اگرهم وجود دارد شهریه‌های زیادی طلب می‌کنند که اکثر خانواده‌های توانایی پرداخت آن‌ها را ندارند، لذا تنها سرگرمی آن‌ها در منزل شبکه‌های اجتماعی است (دبیران ۸، ۷، ۴)، در نتیجه راه‌کار اکثر دبیران تدوین برنامه‌های منطقی و مطلوب مانند افزایش وسایل ورزشی، امکانات تفریحی در پارک‌ها و تفرج‌گاه‌ها، توسعه‌ی کتابخانه‌ها و ایستگاه‌های مطالعه و ... توسط نهادها و سازمان‌های ذیربط برای مردم جهت پر کردن واقعی اوقات فراغت‌شان به جای فرو رفتن در شبکه‌های اجتماعی است (دبیران ۹، ۱۴، ۵).

- ترویج و تقویت سبک زندگی اسلامی- ایرانی: اکثر دبیران مورد مصاحبه معتقدند که امروزه به واسطه همه‌گیر شدن رسانه‌های نوین (ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) در اکثر منازل و بین افراد جامعه در تمام سنین، متأسفانه سبک زندگی مردم تغییر یافته و ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم سست‌تر شده است (نظر اکثر دبیران). در ادامه دبیران راه‌کارهای کاهش پیامدهای مخرب شبکه‌های اجتماعی را ترویج و تقویت سبک زندگی اسلامی و ایرانی از طریق معرفی الگوی سبک زندگی اسلامی- ایرانی به عموم مردم از طریق مکان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)، مذهبی (مساجد و حسینیه‌ها) (دبیران ۱۰، ۳، ۱۴)، برگزاری همایش‌ها و جلسات هم‌اندیشی جهت همسویی اهداف و رویکردهای نهادها و سازمان‌های متولی امر ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی (دبیران ۲، ۹، ۱۶)، و در نهایت اعتماد به نظرات و دیدگاه‌های نسل جوان و وارد نمودن آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری (دبیران ۱۱، ۲، ۶).

در پایان سه موضوع اصلی علل گرایش، چالش‌ها و راه‌کارها و هجده موضوع فرعی عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: تجربه دبیران درباره علل گرایش، چالش‌های عضویت و راه‌کارهای پیشنهادی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی

موضوعات اصلی	موضوعات فرعی
تجربه علل گرایش	تسهیل برقراری ارتباط اجتماعی آسان و ارزان
	پرکردن اوقات فراغت
	تسهیل آزادی بیان، افکار و ایده‌ها
	افزایش و پرورش غم‌خواری (همدلی و همدردی):
	دستیابی به آخرین اخبار، اطلاعات و رویدادها (یادگیری مداوم)
تجربه چالش‌های عضویت	یادگیری و آموزش
	هنجارشکنی
	تضعیف مناسبات خانوادگی (کاهش تاملات اجتماعی و عاطفی)
	نقض حریم خصوصی
	ترویج روابط غیرمتعارف (خیانت زناشویی)
	رواج فرهنگ بی‌بندوبای و هرزه‌نگاری
	ترویج سبک زندگی غربی (مدگرایی و مصرف‌گرایی)
	کمرنگ شدن اعتقادات دینی (سستی در انجام فرائض دینی)
فرهنگ‌سازی	
	تنوع بخشی به برنامه‌های رسانه‌ی ملی

## راه کارهای کاهش چالش‌ها

اطلاع‌رسانی و افزایش آگاهی جامعه و خانواده‌ها

پر کردن اوقات فراغت در دنیای واقعی

ترویج و تقویت سبک زندگی اسلامی-ایرانی

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر، گویای تجربه عضویت دبیران در شبکه‌های اجتماعی مجازی و جایگاه آن بر زندگی خانوادگی و روابط زناشویی آن‌ها بود. در پژوهش حاضر از روش نمودشناسی تفسیری با تأکید بر رویکرد ون‌منن برای کشف تجربه‌های زیسته‌ی دبیران و با انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته بهره گرفته شده است. سوالات مصاحبه حول سه موضوع اصلی تجربه دربارهی علل گرایش، تجربه دربارهی چالش‌های شبکه‌های اجتماعی در زندگی زناشویی و خانوادگی و در نهایت راه کارهای کاهش چالش‌های شبکه‌های اجتماعی بود.

بر اساس یافته‌ها و نظر دبیران شرکت‌کننده در مصاحبه، مهم‌ترین علل گرایش دبیران به شبکه‌های اجتماعی شامل تسهیل برقراری ارتباط اجتماعی مجازی، پر کردن اوقات فراغت، تسهیل آزادی بیان عقاید و ایده‌ها، افزایش و پرورش غم‌خواری، دستیابی به آخرین اخبار، اطلاعات و رویدادها و وجود قابلیت‌ها و امکانات متعدد بود. واقعیت آن است که شبکه‌های اجتماعی با دارا بودن ویژگی تعاملی و اشتراک‌گذاری فضای نوینی را در عرصه‌ی کنش‌گری ایجاد نموده است و به همین دلیل در مقایسه با تلویزیون، رادیو در مدت کوتاه ظهورش توانسته است کاربران بسیار زیادی را از اقشار جامعه به خود جلب کند. در همین راستا گونزالز<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) بر این باور است که شبکه‌های اجتماعی به کاربران این امکان و قابلیت را می‌دهد بدون محدودیت زمانی و مکانی، علاقمندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با کمترین هزینه به اشتراک بگذارد و با دوستان خود علی‌رغم دوری مسافت ارتباط برقرار کند. همچنین ژیلز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در نتایج پژوهش‌های خود بیان می‌دارد که علل گرایش به شبکه‌های اجتماعی وجود برنامه‌های سرگرم‌کننده، استفاده از کانال‌های آموزشی نظیر آموزش آشپزی و مقرون به صرفه بودن آن هاست. بنابراین شبکه‌های اجتماعی در کنار بسط فضای سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت و نشاط روحی، در آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی نیز می‌تواند نقش اساسی ایفا کند. شیلدز و بهرمان<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نیز بر این باورند که دستیابی سریع به اطلاعات، در دسترس بودن شبانه‌روزی و کم هزینه بودن

۱. Gonzalez

۲. Giles &amp; et al

۳. Shields &amp; Behrman

شبکه‌های اجتماعی از دلایل اصلی گرایش کاربران برای استفاده از آنهاست. در مجموع شاید بتوان گفت که شبکه‌های اجتماعی به علت دارا بودن توجه به سلايق مختلف و در نظر گرفتن خواسته‌های متنوع اقشار جامعه و همچنین تجيمع امکانات (تبادل پیام، تصوير و فيلم، تماس صوتی و تصويری، سرگرمی و بازی، آموزش و یادگیری) در یکجا توانسته است زمینه‌ی رضایت‌مندی زندگی خانوادگی و زناشویی دبیران را فراهم نماید، چرا که در زمان دوری دبیران از اعضای خانواده این امکانات شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به صورت مجازی زمینه‌ی نزدیکی و تعامل صوتی و تصويری آسان و رایگان آن‌ها را فراهم نماید.

یافته‌ی دیگر پژوهش نشان داد؛ به واسطه‌ی خنثی نبودن فناوری شبکه‌های اجتماعی، علی‌رغم دارا بودن جایگاه سازنده می‌تواند چالش‌های مخربی نیز برای زندگی خانوادگی و زناشویی دبیران به همراه آورد. دبیران شرکت کننده در مصاحبه، مهم‌ترین چالش‌های شبکه‌های اجتماعی را شامل هنجارشکنی، کاهش مناسبات خانوادگی و تعاملات اجتماعی و عاطفی بین زوجین، نقض حریم خصوصی، ترویج روابط غیرمتعارف (خیانت زناشویی)، افزایش بدبینی و سوءظن بین زوجین، رواج فرهنگ بی‌بند و باری و هرزه‌نگاری و ترویج سبک زندگی غربی (مدگرایی و مصرف‌گرایی) دانستند. همسو با این نتایج لی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در پژوهش خود دریافتند که استفاده‌ی افراطی از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به سرد شدن روابط خانوادگی، اجتماعی و زناشویی کاربران منجر شود. صالحی و برادران (۱۳۹۵) در پژوهش خود نتیجه گرفتند؛ در پرتو گسترش شبکه‌های اجتماعی، احتمال رواج بی‌بند و باری و گسترش روابط اجتماعی و دوستانه‌ی نامشروع در بین کاربران آن وجود دارد. پارک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) نیز بر این باورند که زوجین فعال در شبکه‌های اجتماعی در انجام فعالیت‌های جنسی موردنیاز عملکرد پایین‌تری در مقایسه با زوجینی که زمان کمتری در شبکه‌های اجتماعی هستند، دارند. کریستاکیس و فاولر<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) معتقد است که بی‌تفاوتی جنسی در متأهلین فعال در شبکه‌های اجتماعی نسبت به بقیه افراد حدود ۳۸٪ درصد بالاتر است. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که در کنار عاملیت انسان، فناوری شبکه‌های اجتماعی نیز عامل و فعال است. لاتور (۲۰۰۲) معتقد است که فناوری (شبکه‌های اجتماعی) و انسان‌ها واسطه‌هایی‌اند که ماهیت یکدیگر را تغییر می‌دهند. ما به همراه فناوری شبکه‌های اجتماعی تصمیم خواهیم گرفت و کنش خواهیم کرد نه به وسیله‌ی آن‌ها. بنابراین تصمیم برخاسته از یک ذات ایزوله‌ی انسانی نیست و عاملیت و کنش تنها متعلق به انسان نیست بلکه بر روی شبکه‌ای اجتماعی - فنی از انسان و فناوری توزیع می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که اولاً شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک مصنوع چنان مستقل و خودمختار نیست که اراده‌ی خود را بر دبیران تحمیل کند،

۱ . Lee & er al

۲ . Park & et al

۳ . Christakis & Fowler

ثانیاً دبیران نمی‌توانند از این فناوری همچون وسیله‌ی صرف بهره‌گیرند چرا که این فناوری تا حدی نگرش‌ها، تصمیم‌ها و انتخاب‌های ما را تغییر می‌دهند و تعدیل می‌کنند.

در پایان می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اگر شبکه‌های اجتماعی نتواند همسو با ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی مردم حرکت کند در آینده قبول شایستگی شبکه‌های اجتماعی زیر سؤال خواهد رفت. فینبرگ (۲۰۰۲) معتقد است همان‌طور که می‌توان قانون را تغییر داد تغییر و اصلاح شبکه‌های اجتماعی نیز ممکن است، لذا با توجه به نقش و اهمیت گروه‌های اجتماعی مربوط (دبیران) و تفسیرهای منعطف آن‌ها در توسعه شبکه‌های اجتماعی و قابل تغییر و اصلاح آن، می‌توان امیدوار بود با اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از طریق بازاندیشی، اصلاح و باز طراحی محیط‌های شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی آن در جهت کاهش چالش‌های آن و توجه به ارزش‌های اخلاقی نظیر پایداری و تعهد به خانواده، فداکاری و احترام و ... کاستی‌ها و نواقص اخلاقی آن رفع شود.

## References

Alamolhoda, Jamileh; Saleh Sedighpour, Bahram; Blash, Farhad; Arefi, Mahboubeh (2009). The Effect of Using ICT on Ethical Attitudes of Middle School Students. **Journalism Planning Studies**. Third Year, No. 12. [In Persian].

Anderson, Terry; Alumi, Fati (2006). **Electronic learning; from theory to practice**. Translated by Eshrat Zamani and Seyyed amin Azimi. Tehran: Institute for the Development of School Information Technology. [In Persian].

Banisar, D. (2000). **Privacy and Human Right**. An international survey of Privacy law and developments, electronic Privacy information center. Washington D. C. 1<sup>st</sup> ed.

Barababasi, A. L & Frangos, J. (2014). **Linked: the new science of networks science of networks**. Basic books.

Bartholome, Mitchell K; Schoppe – Sullivan, Sara J; Glassman, Micheal; Dush, Claire M. Kamp; Sullivan, Jason M. (2012). **New Parents Facebook use at the Transition to Parenthood, Family Relations**, V61n3, pp 455 – 469.

Barrett, N. (1996). **The state of the cybernation: cultural, political and economic implications of the internet**. Kogan page Limited.

Bunge, Mario (۲۰۰۳). **Philosophical Inputs and Outputs of Technology, in Philosophy of Technology: the Technological Condition** (an Anthology) by Robert C. Scharff, Val Dusek, Blackwel Publisher, pp. ۱۷۲-۱۸۱.

Borgman, A. (1992). **Crossing the Postmodern divide**. Chicago: University of Chicago press.

Boyd, D. M, & Ellison, N. B. (2007). Social network site: Definition, history and scholarship. **Journal of Mediated communication**, 13(1), article11.<http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1/boyd.ellison.html>.

Capurro, R. (2000). Ethical challenges of the information Society in the 21 century. **International information & Library Review** 32 ( 3/4 ). 257-276.

Christakis, N. A & Fowler, J. H. (2007). The spread of obesity in a large social network over 32 year. New England. **Journal of medicine**, 357(4), 370- 379.

Feenberg, A. (2002). Community technology and democratic rationalization. **The information society**. No 18. Pp181-192.

Giles, L. C. Glonek, G. F. Luszcz, M. A. & Andrews, G. R. (2005). Effect of social networks on 10 year survival in very old Australians: the Australian longitudinal study of aging. **Journal of Epidemiology and Community Health**, 59(7), 574- 579.

Given, L. M. (2008). **The SAGE encyclopedia of qualitative research methods**. (Ed). London: Sage

Gripenberg, Pernilla (2005). **ICT and the shaping of Society: Exploring human- ICT relationships in everyday life**. ( ph,D. thesis ). Helsinki: Edita prima Ltd.p 2.

Gonzalez, N. A. (2002). **Internet addiction disorder and its relation to impulse control**. M A. Dissertation. USA: Texas University, College of Psychology, 6-25.

Habermas, Jürgen (2007). **The public domain of Habermas' thought**. Available via the android club site to: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/5493>. [In Persian].

Heidegger, M. (1996). **Being and Time**, Trans. J. Stambaugh, New York: State University of New York Press.

-Holloway, I; Wheeler, s.(2002). **Qualitative research in nursing**. (2nd Ed). London: Blackwell publishing

Huang; H. & Leung, L.(2009). **Instant Messaging Addiction among Teenagers in China: Shyness; Alienation and Academic Performance Decrement**. *Cyber psychology & Behavior*. 12 (6): 675-679. doi: 10.1089/cpb.2009.0060.

Ihde, D. (2009): **Technology and science**, in: Olsen, J.K.B., Pedersen, S.A. & Hendricks, V.F. (Eds): **A Companion to the Philosophy of Technology**, Chichester: Wiley-Blackwell, pp. 51-60.

Imanzadeh, Ali; Sajjadi, Seyyed Mehdi (2007). The basic challenges of religious education in the rhizome space. **Quarterly journal of psychology and social studies**. The third period, the fourth year. Ahwaz: Shahid Chamran University: 1- 18. [In Persian].

Latour, Bruno (2002). Morality and Technology. **The End of the Means, Theory, Culture, and Society**, Vol. 19, No. 5.

Lee, S. B. Lee, K. K. Paik, K. C. Kim, H. W. & Shin. S. K. (2001). Relationship between internet addiction and anxiety, depression and self efficacy in middle and high school students. **Journal of Korean neuropsychiatric Association**, 40(6), 1174- 1184.

Malekian, Mostafa (1390). **Ethics, sadness and information and communication technology**. Information, Wisdom and Knowledge Site, Access Address:

[http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php?option=com\\_content&view=article&id=۳۳-۳۸-۱۵۰۰۳۰۵-۳۶۷:۱۳۹۰&catid=۲۰:mag-ε&Itemid=۳۰](http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new/index.php?option=com_content&view=article&id=۳۳-۳۸-۱۵۰۰۳۰۵-۳۶۷:۱۳۹۰&catid=۲۰:mag-ε&Itemid=۳۰)[In Persian].

Manning, J. C. (2005). The impact of Internet Pornography on marriage and the family: a review of the research. The porn standard: Children and pornography on the Internet. Retrieved August. **Journal of Sex Education and Therapy**, 22(1), 45-48.

Mohseni, Manouchehr; Doran, Behzad; Sohrabi, Mohammad Hadi (2006). The study of the effects of using the Internet on the social isolation of Internet users. **Iranian Journal of Sociology**, 7 (4): 72-95. [In Persian].

Naghibzadeh, Mir Abdolhossein (2007). **A look at the philosophical attitudes of the twentieth century**. Tehran: Tahoori. [In Persian].



Nisi, Jamil; Madhaj, Nizal (1390). Investigating the privacy and support of cyber-security environment data in Iran's penal code with a comparative look at the penal rules of Germany, England and Italy. **National Conference on Electronic City**. [In Persian].

Nissenbaum, H. and Walker, D. (1998). **Will Computers Dehumanize Education?** Princeton University, Center for Human Values.

Park, N. Kee, K. F. & Valenzuela, S. (2009). **Bing immersed in social networking environment: Facebook groups, use and gratifications and social outcomes**. *Cyberpsychology & Behavior*, 12(6), 729- 733.

Postman, N. (1995). **The End of Education: Redefining the value of school**. Vintage books, NY.

-Samson, J & Keen. ( 2006 ). **Internet addiction**. Available at: <http://www.notmykid.org/parentArticles/internet/accessed30Nov.2009>.

Salehi, Akbar; Baradaran, Maryam (2017). Phenomenological Pathology of Internet Role on Younger Religious Beliefs. **Journal of Ethics**, Year 6, Number 1, Successive 43, Spring. [In Persian].

Saroukhani, Bagher (2006). Internet and family in contemporary Iran. Proceedings of the Women and Internet Conference in the third millennium, **Women's Affairs Department**, Aban, pp. 35-33. [In Persian].

Selwyn, N. (2008). **Web 2.0 applications as alternative environments for informal learning - a critical review**," Paper for OECD-KERIS expert meeting - Session 6 -Alternative learning environments in practice: using ICT to change impact and outcomes. Institute of Education, University of London, UK

Shields, M. K. & Behrman, R. E. (2000). **Children and computer technology analysis and recommendations**. The future of children, 4- 30.

Shorts, Edmond. C (1392). **Methodology Studies Curriculum**. Translated by **Mahmoud Mehrmohammadi et al**. Tehran: Publication of the samt. [In Persian].

Sokolowski, R. (2000). **Introduction to phenomenology**. Cambridge, NY: Cambridge University Press

Stefanescu, C.; Chirita, V.; Chirita, R.; Chele, G. (2007). Network Identity, the Internet Addiction and Romanian Teenagers. **Proceedings of the 4th WSEAS/IASME International Conference on Engineering**

---

**Education,** Agios Nikolaos, Crete Island, Greece, July 24-26, 2007. Department Psychiatry. SOS. Buciom; 36; 700282; Iasi ROMANIA.

Van Manen. M (2001). **Researching lived experience human science for an action sensitive pedagogy.** (3rd Ed). Ontario: Althouse Press.